

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

موضوع بحث: ارتباط با قرآن ((1390/10/23))

به بعضی از آیات شریفه قرآن، بر وجود مبارک امام زمان (عج) تمسک شده است. مثلاً در سوره مبارکه حج چند آیه وجود دارد؛ «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» □ «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَالِمُونَ وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ».

سه روایت در ذیل آیه دوم آمده که سند بعضی از روایاتش، صحیح و معتبر است که امام باقر(ع) یا امام صادق(ع) فرموده‌اند عامه و سنی‌ها می‌گویند این آیه «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَالِمُونَ» در این مورد نازل شده که قریش، پیامبر را از مکه اخراج کردند و تا مدتی پیامبر و اصحابش مجاز در مقاتله با قریش نبودند و می‌گویند این آیه اولین آیه‌ای است که اجازه‌ی قتال با قریش داده شده است.

در ادامه روایت امام باقر(ع) می‌فرمایند این حرف درست نیست - ولو تصریح به این معنا ندارند- می‌فرمایند «إِنَّمَا هِيَ» این آیه شریفه برای آخرین حجّتی است که می‌آید «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَالِمُونَ»؛ آخرین فرزند ما که می‌آید و بعد لقب حضرت را در اینجا ذکر می‌کنند «يَطْلُبُ بِدَمِ الْحُسَيْنِ(ع)» یعنی به عنوان ولی دم امام زمان (عج) ظهور می‌کند و مطالبه‌ی خون ابا عبد الله الحسین(ع) را می‌کند، حتّی به عنوان «وَطَلَّابُ الدِّيَةِ» طالبین دیه‌ی امام حسین(ع) می‌شوند.

یک روایت دیگری که از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) رسیده؛ حضرت فرموده است: «إِنَّ الْقُرْآنَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ»؛ قرآن زنده است و مردن در قرآن معنا ندارد. خود قرآن موت ندارد. بعد فرمودند اگر بنا بر این باشد که آیاتی که در مورد افرادی نازل شده، وقتی آن افراد می‌میرند بگوئیم آیات هم باید بمیرند، دیگر قرآن می‌میرد و دیگر به درد نمی‌خورد.

به نظر من می‌رسد که این دو روایت و روایاتی که ائمه‌ی ما در زمان خودشان تصریح کردند که عامه در مورد قرآن دارند اشتباه می‌کنند، این نکته خیلی مهمی است؛ هم علمی است و هم از جهت اخلاقی و تربیتی برای انسان خیلی مهم است. چه اشتباهی می‌کنند؟ آن اشتباه این است که عامه معتقدند شأن نزول آیات قرآن منحصر به همان مورد است و این خیلی جاهای قرآن، قرآن را از آن جاودانگی و بقاءش انداخته است.

مثلاً در مورد همین آیه «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَالِمُونَ» خدای تبارک و تعالی به عنوان یک قضیه کلی و یک إذن عام، که هر کسی که به او ظلم شده مقاتله کنند، لازم نیست که بروند از شخصی اجازه بگیرند، به کسی که ظلم شده می‌تواند قتال کند و خدا می‌فرماید «وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» اینگونه بگوئیم این آیه فقط منحصر به همان شأن نزولش است که پیامبر را قریش از مکه بیرون کردند و بعد که پیامبر به مدینه آمد خدا فرمود حالا من اجازه می‌دهم تو بروی با اینها مقاتله کنی، منم به تو کمک

می‌کنم، بگوئیم آیه مربوط به همین قضیه بود و تمام شد و رفت.

از همین روایات استفاده می‌شود که ائمه (ع) چقدر از عامه ناراحت بودند، در اینکه عامه و اهل سنت قرآن را از اعتبار ساقط کردند. حالا ببینید زمانه چطور شده که این بی‌حیاها می‌گویند شیعه قرآن را از اعتبار ساقط کرده است، شیعه قرآن را قبول ندارد، شیعه به قرآن اعتنا نمی‌کند.

انسان برود در بطن این روایات و سیره‌ی ائمه (ع) که ائمه‌ی ما چه اعتقادی در مورد عامه داشتند که اینها معتقد بودند اگر آیه شأن نزول خاصی داشت در همان مورد است. اگر تفاسیرشان را هم ببینید بعضی از آنها يك مقدار از مورد شأن نزول تعدی می‌کنند، اما خیلی‌هایشان بر همان شأن نزول اکتفا می‌کنند و شیعه در اینجا يك افتراق وسیعی با عامه پیدا می‌کند.

در کافی، ج 2، ص 156 این روایاتی که در باب قرآن آمده را ملاحظه کنید. می‌فرماید «يَجْرِي كَمَا يَجْرِي اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَ كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَ يَجْرِي عَلَى آخِرِنَا كَمَا يَجْرِي عَلَى أَوَّلِنَا»؛ این تعبیر عجیبی است، یعنی قرآن همیشه زنده است، قرآنی که امروز داریم درست مثل همان روزی است که بر پیامبر (ص) نازل شده است و هیچ وقت کهنه نمی‌شود.

خواستیم این نتیجه‌ی تربیتی را بگیریم که با این قرآن بیشتر باید ارتباط داشته باشیم و باید اعتراف کنیم که حوزه‌ی ما، خود ما طلبه‌ها، با این پشتوانه‌ی عمیقی که ما در مورد قرآن به برکت اهل بیت (علیهم السلام) داریم، اما آنطور که باید و شاید از قرآن بهره‌ای نمی‌بریم و استفاده نمی‌کنیم. ما نباید فقط بگوئیم اگر قرآن را بخوانید چقدر ثواب دارد. این روایت باید برای عوام مردم خوانده شود.

درست است که اگر به قرآن نگاه کنیم ثواب دارد، برای اینکه آنها را به قرآن تحریک کنیم، باید این روایات را بخوانیم، به نوع قرآن بگوئیم «إِقْرَأَ الْقُرْآنَ»، نگاه کردن به قرآن ثواب دارد. در بهشت به انسان می‌گویند بخوان و بالا برو. ولی ما طلبه‌ها چرا این روایات دیگر که «إِنَّ الْقُرْآنَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ»، «يَجْرِي كَمَا يَجْرِي اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ» یعنی هر زمانی انسان آیه‌ای را بخواند، این آیه تازه است و نکته‌ی تازه‌ای دارد، پیام تازه‌ای دارد و اثر تازه‌ای در آن انسان دارد.

این روایات باید ما را بیشتر تحریک کند. برای ما طلبه‌ها این روایات باید محرک باشد. بگوئیم قرآنی که «يَجْرِي كَمَا يَجْرِي اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ» برای من آیا اینگونه هست یا نه؟ یا اینکه اصلاً من خبر ندارم.

ما اگر از قرآن دور باشیم، مثل يك آدمی است که در اتاق در را به روی خودش ببندد و نداند کی شب می‌شود و کی روز می‌شود، نه از برکات شب بتواند استفاده کند و نه از برکات روز.

پس إن شاء الله ما باید بیشتر به قرآن توجه کنیم.

و صَلَّي اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ